

بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بیگانگی اجتماعی جوانان

(مورد مطالعه: جوانان ۱۸-۲۵ سال شهر اهواز)

دکتر علی حسین حسین زاده^۱، دکتر معصومه باقری^۲ و امیر رزم آرا^۳

تاریخ وصول: ۹۴/۱۱/۷

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۴

چکیده:

هدف مقاله حاضر، بررسی بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی مؤثر بر بیگانگی اجتماعی جوانان می باشد. این تحقیق به صورت پیمایشی و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه می باشد. جمعیت آماری در این تحقیق، کلیه جوانان ۱۸-۲۵ سال شهر اهواز می باشد، که حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شد. از لحاظ زمانی این پژوهش در سال ۱۳۹۳-۱۳۹۲ اجرا شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که بین تمامی متغیرهای تحقیق با بیگانگی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون نشان داد که ۷۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تنها دو متغیر احساس محرومیت نسبی و احساس انومی تبیین می کنند.

مفاهیم کلیدی: بیگانگی اجتماعی، احساس انومی، رضایت از زندگی

^۱ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)
alios81@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز
m.bagheri@scu.ac.ir

^۳ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز
amir.razmara@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

بخشی از تلاش جامعه‌شناسان مصروف بررسی و تبیین ناسازگاری‌های حاکم بر روابط فرد و جامعه، کارکردهای گسل نهاد و سازمان‌های اجتماعی و عدم درونی شدن قواعد اخلاقی است. یکی از آثار و نتایج مهم و بارز جامعه‌پذیری ناموفق در سطح افراد و اجتماعی کردن نامطلوب و غیر کارآمد در سطح نهادهای اجتماعی‌کننده بیگانگی اجتماعی و فرهنگی است که مترادف با بی‌هنجاری به کار رفته که مبین انفصال فرد از نظام باورها، ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای عملی اهداف فرهنگی و انتظارات جمعی است (زکی، ۱۳۸۸: ۵۱-۲۵).

بیگانگی^۱ و ابعاد آن نظیر بی‌قدرتی^۲، بی‌معنایی^۳، بی‌هنجاری^۴، انزوا^۵، تنفر فرهنگی^۶، تنفر از خود^۷، یکی از پدیده‌های اجتماعی است که در اکثر فرهنگ‌ها بعنوان یک معضل و مسأله‌ی اجتماعی شناخته شده است. با وجود این که معرفی اول آن به وسیله‌ی هگل و مارکس انجام گرفته؛ ولی این مفهوم در روش‌های مختلفی تعریف شده است که نگرش‌های مختلف محققانی را که این مفهوم را مورد مطالعه قرار داده‌اند منعکس می‌کند. تحقیقات مربوط به بیگانگی در طول سال‌های دهه‌ی ۱۹۷۰ به اوج خودش رسیده است و توجه به آن در سال‌های اخیر رو به افول بوده است و بسیاری آن را به خاطر کاربرد این مفهوم در محدوده‌ی بسیار وسیعی که برای شرح و توصیف هر نوع رفتار انحرافی در محدوده‌ی ظهور و جامعه‌ی سیاسی - روان‌شناختی به کار می‌رود، مورد انتقاد قرار می‌دهند (بنی‌فاطمه و رسولی، ۱۳۹۰). با وجود این توجه‌ی زیادی بر رفتارهای خارجی جوانان مانند مصرف مواد مخدر، فرار از مدرسه، بزهکاری و خودکشی وجود داشته است و آن نیز وابسته به مشکلاتی مانند پایین بودن عزت نفس، پریشانی روان‌شناختی و افسردگی بوده است (لاکورز^۸، ۲۰۰۳: ۶۳۹).

بیگانگی به مفهوم عام آن، که برخی از اشکال کنش‌ها و واکنش‌ها به جریان‌ات اجتماعی و واقعیت‌های پیرامونی، فشارهای روانی، تحملات بیرونی و نیز توضیح انفصال

¹ alienation

² powerlessness

³ meaninglessness

⁴ normlessness

⁵ isolation

⁶ cultural estrangement

⁷ self estrangement

⁸ Lacourse

فرد از تاریخ تفکر اجتماعی قدمت و سابقه‌ی طولانی دارد. هر چند مفهوم از خودبیگانگی به ویژه به گونه‌ای که به اشتغال مربوط می‌شود، نخستین بار به صورت نظام‌یافته در آثار مارکس مطرح شد، فقط از خودبیگانگی و آثار اجتماعی آن را توصیف کرد بدون آنکه سعی کند با استفاده از روش علمی به آن اعتبار دهد. در عوض مطالعه‌ی رابرت بلونر در مورد از خودبیگانگی ایالات متحده‌ی آمریکا یک کوشش کلاسیک برای اثبات علمی و سنجش از خودبیگانگی است. کاربرد مفهوم بیگانگی در مباحث جامعه‌شناسی و روانشناسی به نحو بارزی متنوع و متفاوت است و از مطالعه‌ی تضادها و کشمکش‌ها و بدبختی‌ها در زندگی شخصی تا تحلیل ناآرامی‌های دانشجویی و طغیان نسل جوان و از دیکتاتوری کارگری تا ظهور فاشیسم و نازیسم گسترده است (زکی، ۱۳۸۸: ۵۱-۲۵).

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

قدیمی و قاسمی (۱۳۹۱)، مطالعه‌ای با عنوان: بررسی تأثیر احساس محرومیت نسبی و احساس بیگانگی اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌های شهر زنجان)، انجام داده‌اند. این تحقیق از نظر کنترل شرایط پژوهش، یک برررسی پیمایشی با استفاده از پرسشنامه، از نظر وسعت، پهنانگر و از نظر زمان، مقطعی است. یافته‌ها نشان داده است که دو متغیر محرومیت نسبی و بیگانگی اجتماعی تأثیر کاهنده‌ی منفی و معکوسی بر روی احساس امنیت دانشجویان دارد. نتایج حاصل از رگرسیون دو متغیره نشان می‌دهد که متغیر احساس محرومیت نسبی ۱۳/۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (احساس امنیت اجتماعی) را در نمونه و ۱۳/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته در جامعه را تبیین و پیش‌بینی و متغیر احساس بیگانگی اجتماعی ۱۳/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته (احساس امنیت اجتماعی) را در نمونه و ۱۳/۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته در جامعه را تبیین و پیش‌بینی می‌کند (قدیمی و قاسمی، ۱۳۹۱).

بنی‌فاطمه و رسولی (۱۳۹۰)، پژوهشی تحت عنوان: بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن، انجام داده‌اند. روش تحقیق مورد استفاده این پژوهش پیمایشی و شیوه‌ی تحقیق همبستگی است. جامعه‌ی آماری این طرح کلیه‌ی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و دانشجویان ورودی ۸۴

کارشناسی دانشگاه تبریز هستند. نتیجه‌ی حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه‌ی معنی‌دار بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، رضایت اجتماعی بعنوان متغیرهای مستقل و بیگانگی اجتماعی بعنوان متغیر وابسته تحقیق است. به علاوه نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که در نمونه‌ی تحصیلات تکمیلی ۵۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل پژوهش تبیین می‌شود.

ب) تحقیقات خارجی

پاول^۱ (۱۹۸۶)، بیگانگی، بی‌قدرتی و انزوای اجتماعی را در میان کارکنان زندان در ایالت مونتانا مورد مطالعه قرار داد. از تعداد ۱۹۳ نفر که برای آنها پرسشنامه ارسال شد تعداد ۱۲۶ نفر پرسشنامه‌ها را برگرداندند؛ سؤالات پرسشنامه بر اساس مقیاس دین طراحی شده بود که سطوح مختلف بیگانگی، بی‌قدرتی، انزوای اجتماعی و بی‌هنجاری را مورد سنجش قرار می‌داد. محقق ۱۳ فرضیه را ارائه کرد که ۳ مورد از آنها در کلیه‌ی کارکنان به تأیید رسید و ۴ مورد از فرضیات فقط در گروهی از کارکنان مشاهده شد و بقیه‌ی فرضیات رد شدند. نتایج مطالعات این محقق نشان داد که میزان بیگانگی در میان کارکنان جوانتر و با سابقه‌ی کمتر بیشتر از کارکنان با سابقه است به گونه‌ای که ناامیدی و یأس از فضای زندان و شغلشان بسیار دیده می‌شود (پاول، ۱۹۸۶).

امدیل^۲ (۲۰۰۴)، در پژوهشی با عنوان: بیگانگی فرهنگی - اجتماعی جوانان دانشجوی، بر روی نمونه‌ای ۲۳۵ نفری در دانشکده‌ی فنی دانمارک، به شیوه‌ی پیمایشی به این نتایج دست یافت، بین احساس بی‌هنجاری، محرومیت نسبی، انزوای اجتماعی با بیگانگی فرهنگی - اجتماعی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد؛ همچنین نتایج نشان داد که بیگانگی فرهنگی - اجتماعی بر حسب متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند؛ سن، جنسیت، پایگاه اجتماعی - اقتصادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. اما بین وضعیت تأهل و رشته‌ی تحصیلی تفاوت معنی‌داری مشاهده نشده است.

گاتربوک^۳ و همکاران (۲۰۰۶)، پژوهشی با عنوان: بررسی رابطه‌ی بین علل روانی - اجتماعی با بیگانگی شهروندان شهر لندن، انجام داده‌اند. روش تحقیق این پژوهش پیمایشی بوده و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ی محقق ساخته می‌باشد. محققان

¹ Powell

² Mcdill

³ Guterbock

در این مطالعه پس از برشمردن برخی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بیگانگی، به بررسی فرضیات پژوهش از طریق آزمون پیرسون و تحلیل واریانس یک‌راهه اقدام کرده و نتایج نشان داد که بین اعتماد اجتماعی، سهمین شدن، امنیت اجتماعی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد؛ همچنین بین احساس طرد شدن و ساختار خانواده رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. اما بین جنسیت و بیگانگی تفاوت معنی‌داری مشاهده نشده است. بین سن و وضعیت تأهل نیز در بین شهروندان از لحاظ میزان بیگانگی، تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

چارچوب نظری پژوهش

با توجه به مبانی نظری و مطالعات انجام شده در این زمینه می‌توان مهم‌ترین نظریات مرتبط جهت تبیین بیگانگی اجتماعی را مطرح نمود. در این تحقیق چارچوب نظری جهت تبیین این مسئله از نظریات مختلفی که در زیر به شرح آنها می‌پردازیم:

تئوری محرومیت نسبی رابرت گر^۱

به نظر «تد رابرت گر» محرومیت نسبی برداشت کنشگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی ارزشی آن‌ها است (گر، ۲۰۰۱: ۵۴). منظور از توقعات ارزشی اشاره به آن دسته یا سطح مطلوب‌ها است که فرد خود را شایسته به دست آوردن یا حفظ آن‌ها می‌داند. در این رابطه، به مواردی نظر معطوف است که فرد یا گروه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و یا اقتصادی خاصی احساس می‌کند که بر اساس جایگاه و پتانسیل‌هایی که در خود می‌بیند، لیاقت داشتن دسته‌ای از ارزش‌ها را دارد که از آن محروم است. توقعات ارزشی به تناسب گروه‌های اجتماعی متفاوت است. مثلاً در حوزه‌ی سیاسی، توقعات ارزشی را می‌توان شامل دسترسی به مناصب سیاسی، برابری سیاسی با دیگر گروه‌های جامعه، رعایت کرامت انسانی، وجود آزادی‌ها، بازخواست‌پذیری مسئولان و ... دانست. توقعات ارزشی در حوزه‌ی اقتصادی را می‌توان شامل دسترسی به مسکن، ماشین، تفریحات، رفاه اقتصادی و امنیت اقتصادی و کاری مناسب دانست؛ همچنین توقعات و انتظارات ارزشی در حوزه‌ی اجتماعی را می‌توان بر خورداری از شأن اجتماعی،

^۱ Ted Robert Ger

احترام و مورد قبول جامعه قرار گرفتن، کسب شأن مناسب با شغل و ... دانست (سیف‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۵۱).

ملوین سیمن^۱

سیمن در زمره‌ی نخستین روانشناسانی است که با رویکرد روانشناختی اجتماعی کوشیده‌اند تا مفهوم بیگانگی را در قالبی منظم و منسجم تدوین و تعریف نمایند. وی مفهوم بیگانگی را در پنج نوع، قابل تمیز می‌داند و معتقد است که این مفاهیم، رایج‌ترین مفاهیم در ادبیات جامعه‌شناسی و روانشناسی هستند:

الف) احساس بی‌قدرتی: عبارت از احتمال یا انتظار متصوره از سوی فرد در قبال بی‌تأثیری عمل خویش و یا تصور این باور که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نبوده و وی را به هدفی که کنش او بر اساس آن چیز تجهیز گردیده است، رهنمون نیست (قدیمی و قاسمی، ۱۳۹۱).

ب) احساس بی‌معنایی یا احساس بی‌محتوایی: این شکل از بیگانگی به نظر سیمن، زمانی مشهود است که فرد در باور و عقیده، دچار ابهام، تردید و شک است. یعنی نمی‌تواند به چیزی اعتقاد داشته باشد.

ج) بی‌هنجاری یا احساس ناهنجاری: به عقیده‌ی سیمن احساس بی‌هنجاری، وضعیتی فکری و ذهنی است که در آن، فرد این احتمال را به حد مفرط بر خود مفروض و متصور می‌دارد که تنها کنش‌هایی فرد را در حوزه‌های هدف نزدیک می‌سازند که مرود تأیید جامعه نیستند.

د) احساس انزوای اجتماعی: واقعیتی فکری است که در آن فرد عدم تعلق و وابستگی و انفصال تامه‌ای را با ارزش‌های مرسوم جامعه، احساس می‌کند. در این حالت، فرد همچنین دارای اعتقاد و باور نزولی نسبت به ساز و کار ارزش‌گذاری و نظام پاداش اجتماعی است و خود را با آن چه معتبر و ارزشمند است، هم‌عقیده و هم‌سو نمی‌بیند.

ه) احساس تنفر یا تنفر از خویشتن: سیمن، میزان و درجه‌ی هر رفتار را مبتنی بر پاداش‌های مورد انتظار آتی می‌داند و همچون مارکس معتقد است که پاداش منحصرأ در خود عمل نهفته نیست بلکه، نسبت به کار، امری خارجی است (محسنی‌تبریزی، ۱۳۸۲: ۱۴۶).

^۱ Melvin Seeman

فردینبرگ^۱

فردینبرگ، بیگانگی را مترادف با مفهوم نارضایتی، به کار می‌برد و آن را منبع اصلی فعالیت فرد در نظر می‌گیرد. به نظر فردینبرگ این چنین احساس نارضایتی در فرد سبب می‌شود که وی به نوعی احساس انفصال و جدایی از موضوعات پیرامونی میل کند و خود را از هر آنچه که قبلاً پیوند داشت، جدا و منفک ببیند. فرد همچنین در چنین حالتی به خود همچون موضوعی خارجی می‌نگرد و از درون، بین خود و این موضوع نوعی احساس کشمکش، تضاد ستیز و عدم ارتباط و شناخت تصور می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۲: ۱۴۷؛ به نقل از فردینبرگ، ۱۹۸۳: ۱۱۶-۶۹).

امیل دورکیم^۲

دورکیم بارزترین نماینده‌ی نظریه‌ی رابطه‌ی اجتماعی به شمار می‌آید. به نظر دورکیم، در جریان انتقال از همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیکی، ارزش‌های جمعی تضعیف می‌شوند، تعهد افراد به جامعه کاهش می‌یابد و هر فردی می‌کوشد تا تمایلات شخصی خود را دنبال کند. آنجا که هیچ سدی در برابر تمایلات فردی وجود ندارد، هیچ نوع امکانات و شرایطی عینی قادر به پاسخگویی آن نیست - پیوند فرد با جمع، که سرچشمه‌ی اخلاقیات است - مهار می‌کند (عبدی، ۱۳۷۷: ۱۶۴).

مفهوم آنومی در معانی گوناگونی بکار رفته است و دورکیم این مفهوم را واجد سه خصیصه می‌داند: تشویش یا اضطراب دردناک، احساس جدایی از معیارها و استانداردهای گروه، احساس بی‌نشانی یا فقدان هدفی معین، بی‌هدفی ناظر بر فقدان ارزش‌هایی است که به زندگی جهت یا هدف بدهد (تنهایی، ۱۳۸۹: ۷۸). در معنای دیگر آنومی بعنوان تضاد هنجارها بکار رفته است. تضاد بین جهت‌گیری‌های تعاونی و همیارانه و رقابت‌جویانه یا جهت‌گیری فعالانه و جهت‌گیری انفعالی، نمونه‌ای از این تضادها به شمار می‌آید (عبدی، ۱۳۷۸: ۱۲۵).

از دیدگاه دورکیم اخلاق برخواسته از گروه و جمع از طریق روابط اجتماعی، صمیمیت و احساس مشترک تکلیف و تعهد ایجاد می‌شود. هر جا گروهی تشکیل می‌شود، نوعی انضباط اخلاقی هم به وجود می‌آید (همان).

¹ Friedenberg

² Emile Durkheim

دورکیم عقیده دارد که تمدن جدید و جامعه‌ای که از همبستگی مکانیکی گذر کرده خوشبختی را کاهش داده است. "با توسعه‌ی تقسیم کار خوشبختی و شادکامی آدمیان الزاماً بیشتر نشده و نیز دلیل این امر ضعیف شدن حس صیانت ذات در جوامع متمدن است. بنابر نظر دورکیم این غریزه‌ی قوی و گسترده باشد نشاط و سرزندگی انسان به ادامه‌ی زندگی در اوج است و هر کجا این غریزه رو به ضعف آورد به تبع آن حس بیزاری از زندگی و بیگانگی می‌شود (دورکیم، ۱۳۷۸: ۱۳۰).

در واحدهای بزرگ اجتماعی با وجدان جمعی ضعیف، فرد می‌تواند به دنبال علائق شخصی خود برود و هر چه را که می‌خواهد؛ بدست آورد. چنین خودمحوری نامحدودی موجب بروز نیازهای جدیدتری می‌شود که این امر منتهی به نارضایتی می‌گردد (کوزر، ۱۳۸۰: ۱۹۳). در این شرایط کارکرد اصلی ارزش‌های اخلاقی این است که خواسته‌ها و ادعاهای افراد را محدود سازند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۰: ۴۲۰).

زیمل

به عقیده‌ی زیمل، جامعه صرفاً تعدادی از افراد است که از طریق کنش متقابل با همدیگر پیوند دارند. برای زیمل روابط اجتماعی مسلط در جوامع مدرن مبادله است. یکی از مهم‌ترین شرایط مبادله اعتماد است و بدون اعتماد عمومی افراد نسبت به همدیگر و جامعه تجزیه می‌گردند (کوزر، ۱۳۸۰: ۲۵۴). به اعتقاد زیمل نبود اعتماد اجتماعی و افزایش فردگرایی، فاصله‌ها و کاهش ارتباطات جمعی را خلق می‌کند. اسلوب زندگی کلان‌شهری مستقیماً به منزله‌ی اجتماع‌زدایی است که در واقع یکی از اشکالات اساسی اجتماعی شدن است (زیمل، ۱۳۷۲: ۵۲؛ به نقل از توفیقیان و حسینی، ۱۳۹۱).

اینگلهارت^۱

از نظر اینگلهارت، سطوح نسبتاً پایین انتشار رضایت و اعتماد، موجب می‌شود که شخص، به احتمال زیاد، نظام ساختار موجود را نپذیرفته و دچار حالت آنومی و بیگانگی اجتماعی بشود. رضایت از زندگی، رضایت اجتماعی، فضای باز ارتباطات اجتماعی، حمایت از نظم اجتماعی موجود و در نهایت، اعتماد به یکدیگر، همگی به هم وابسته بوده، نشانه‌های نگرش‌های مثبت را نسبت به جهانی که شخص در آن زندگی می‌کند، تشکیل می‌دهند. جالب‌تر از همه، این واقعیت که به نظر می‌رسد این نشانگان با بقای

^۱ Inglehart

نهادهای اجتماعی رابطه دارد؛ نیز این نشانگان، با سطوح اقتصادی یک کشور در ارتباط نزدیکی و کشورهای توسعه‌یافته از لحاظ رضایت اجتماعی، اعتماد به یکدیگر و دیگر عناصر این نشانگان، در سطوح بسیار بالایی قرار دارند (اینگلهارت، ۱۹۹۹: ۱۲۰-۸۸).

نظریه انزواطلبی^۱ مرتون^۲

این نظریه روایت دیگری از نظریه بی‌هنجاری است و بی‌شبهت به نظریه پیرامون‌گرایی که اخیراً رواج گسترده‌ای یافته، نیست طبق این نظریه، چون جوامع مدرن اغلب به موفقیت فردی اصالت داده و کسب آن در گروه مشارکت فعال اجتماعی، داشتن کار مفید بهره‌مندی مناسب از ثروت مادی، سواد مناسب با موفقیت اجتماعی فرد و غیره است محرومیت از هر یک از این‌ها به پیرامونی شدن و انزواطلبی فرد منجر می‌شود و در چنین شرایطی یا در شرایطی که فرد خود را با نگرش‌ها، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه بیگانه می‌یابد و یا حداقل خود را با آنها یگانه نمی‌یابد از جامعه جدا شده و در انزواطلبی بیشتر قرار می‌گیرد این قبیل افراد عموماً کسانی هستند که یا قادر به تطابق خو با محیط نیستند و یا از تطبیق محیط با خود ناتوانند (باوی، ۱۳۸۸).

یکی از آثار و نتایج مهم و بارز جامعه‌پذیری ناموفق در سطح افراد و اجتماعی کردن نامطلوب و غیرکارآمد در سطح نهادهای اجتماعی کننده، بیگانگی است که مترادف با مفهوم بیگانگی اجتماعی، بی‌هنجاری و انزوای ارزشی به کار رفته است. بیگانگی به مفهوم عام آن که برخی از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی از آن به گونه‌ای گسترده برای تبیین برخی از اشکال کنش‌ها و واکنش‌ها به جریانات اجتماعی و واقعیت‌های پیرامونی، فشارهای روانی و تحمیلات بیرونی و نیز توضیح انفصال فرد از نظام ارزش‌ها، باورها، هنجارها، اهداف فرهنگی و همچنین جهت اشاره به انفصال، بی‌علاقگی و مشارکت اجتماعی - سیاسی و صور آسیب‌شناختی مشارکت استفاده کرده‌اند، از مفاهیمی است که در تاریخ تفکر اجتماعی قدمت و سابقه‌ی طولانی دارد و ریشه‌ی آن به نخستین دوره‌های تاریخ منظوم بر می‌گردد (محسنی‌تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۲۵).

^۱ isolationism

^۲ Merton

جدول ۱: نحوه استخراج متغیرهای تحقیق

| متغیر | اندیشمندان |
|--------------------------|---|
| بیگانگی اجتماعی | تمامی نظریه‌ها به ویژه سیمن / انزواطلبی / آنومی |
| اعتماد اجتماعی | زیمل / اینگلهارت |
| میزان دینداری | دورکیم |
| احساس محرومیت نسبی | تئوری محرومیت نسبی / انزواطلبی |
| احساس آنومی | آنومی دورکیم / انزواطلبی / اینگلهارت |
| رضایت از زندگی | فردینبرگ / دورکیم / انزواطلبی / اینگلهارت |
| پایگاه اجتماعی - اقتصادی | دورکیم / مرتون / اینگلهارت |
| متغیرهای زمینه‌ای | مرتون / دورکیم |

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد بین احساس آنومی و بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین رضایت از زندگی و بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین احساس محرومیت نسبی و بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین میزان دینداری و بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۶- به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۷- به نظر می‌رسد بین متغیرهای جمعیت‌شناختی (شامل: سن، جنسیت، وضعیت تأهل، قومیت، تحصیلات) و بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

نوع تحقیق در این پژوهش کاربردی است؛ روش اجرای تحقیق نیز پیمایشی است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد؛ همچنین برای تهیه‌ی چارچوب مفهومی و

تجربی از روش‌های اسنادی (کتابخانه‌ای) یعنی رجوع به منابع موجود استفاده شد. واحد مشاهده و تحلیل این تحقیق فرد می‌باشد. جمعیت آماری در این تحقیق، کلیه‌ی جوانان ۱۸-۲۵ سال شهر اهواز می‌باشد که حجم نمونه معادل ۵ نفر از جوانان ۱۸-۲۵ ساله شهر اهواز بر اساس فرمول کوکران به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند و پس از جمع‌آوری پاسخ‌های پاسخگویان، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از لحاظ زمانی این تحقیق در سال ۱۳۹۳-۱۳۹۲ اجرا شده است. ضریب پایایی هر یک از متغیرهای تحقیق در جدول ۲ ذکر شده است که مقادیر آلفای کرونباخ همه‌ی متغیرها در سطح قابل قبولی می‌باشد.

جدول ۲: ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای مختلف تحقیق

| آلفای کرونباخ | نام متغیر | |
|---------------|--------------------|----------------------------------|
| ۰/۸۴ | بیگانگی اجتماعی | |
| ۰/۸۵ | میزان دینداری | |
| ۰/۸۱ | احساس محرومیت نسبی | |
| ۰/۷۲ | احساس انومی | |
| ۰/۸۰ | اعتماد اجتماعی | |
| ۰/۶۷ | رضایت از زندگی | |
| ۰/۷۹ | بعد عینی | پایگاه اجتماعی - اقتصادی ۰/۷۵ |
| ۰/۷۴ | بعد ذهنی | |

یافته‌های پژوهش

توصیف ویژگی‌های جمعیت نمونه

میانگین سن پاسخگویان ۲۲/۰۱ می‌باشد و دامنه‌ی سنی بین ۱۸ تا ۲۵ سال سن بوده است. بر اساس متغیر جنسیت ۴۷/۴۰ درصد از نمونه‌ی آماری را مردان و ۵۲/۶۰٪ از نمونه را زنان تشکیل داده‌اند.

توصیف ویژگی‌های متغیر وابسته: بیگانگی اجتماعی

جدول ۳، مربوط به آماره‌های توصیفی به متغیر وابسته پژوهش (بیگانگی اجتماعی) می‌باشد. داده‌های جدول حاکی از آن است که میانگین ۲۰/۸، انحراف معیار

برابر ۰/۲۸ واحد و واریانس متغیر مربوطه برابر با ۲۴/۸۹ می‌باشد؛ حداقل نمره‌ی کسب شده ۶ و حداکثر نمره ۳۳ می‌باشد.

جدول ۳: آماره‌های توصیفی بیگانگی اجتماعی (متغیر وابسته)

| میزان | آماره‌های توصیفی |
|-------|------------------|
| ۲۰/۰۸ | میانگین |
| ۰/۲۸ | انحراف معیار |
| ۲۴/۸۹ | واریانس |
| ۶ | حداقل |
| ۳۳ | حداکثر |
| ۳۸۴ | تعداد مشاهدات |

آزمون فرضیات تحقیق

جدول ۴، نشان‌دهنده‌ی نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر وابسته (بیگانگی اجتماعی) می‌باشد. همان‌طور که داده‌های جدول نشان می‌دهد، با توجه به سطح معناداری گزارش شده، بین تمامی متغیرهای مستقل تحقیق با بیگانگی اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد، سطح معناداری و ضرایب همبستگی هر یک از متغیرها در جدول ۴ به تفکیک آمده است.

جدول ۴: نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته‌ی تحقیق

| نتیجه‌ی آزمون | سطح معنی‌داری | میزان آزمون | متغیر |
|---------------|---------------|-------------|--|
| تأیید | ۰/۰۰۰ | -۰/۷۳۸** | اعتماد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی |
| تأیید | ۰/۰۰۰ | ۰/۶۷۲** | احساس انومی و بیگانگی اجتماعی |
| تأیید | ۰/۰۰۳ | ۰/۲۶۵** | احساس محرومیت نسبی و بیگانگی اجتماعی |
| تأیید | ۰/۰۰۰ | -۰/۶۱۵** | میزان دینداری و بیگانگی اجتماعی |
| تأیید | ۰/۰۰۱ | -۰/۶۰۲** | رضایت از زندگی و بیگانگی اجتماعی |
| تأیید | ۰/۰۰۰ | -۰/۶۷۳** | پایگاه اجتماعی - اقتصادی و بیگانگی اجتماعی |

تعیین‌کننده‌های بیگانگی اجتماعی: نتایج رگرسیونی

برای تعیین سهم تأثیرگذاری نسبی متغیرهای مستقل بر بیگانگی اجتماعی از تحلیل رگرسیونی چند متغیره استفاده شد. از پنج متغیر مستقل که وارد معادله شدند،

تنها دو متغیر احساس محرومیت نسبی و احساس آنومی معنادار بوده‌اند که در مجموع ۷۰ درصد از تغییرات مربوط به بیگانگی اجتماعی را این سه متغیر تبیین می‌کنند و مابقی واریانس تبیین شده متأثر از متغیرهای دیگری است که در مدل تحقیق آورده نشده‌اند.

نتایج معادله‌ی رگرسیونی نشان می‌دهد با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در متغیر محرومیت نسبی، بیگانگی اجتماعی به اندازه‌ی ۰/۴۱۲ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد؛ همچنین با افزایش یک واحد انحراف استاندارد احساس آنومی، میزان بیگانگی اجتماعی به اندازه‌ی ۰/۴۹۵ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. در این معادله به خاطر اینکه ضرایب استاندارد شده‌اند، به خوبی می‌توان به نسبت تأثیر هر یک از متغیرها بر متغیر وابسته پی برد. در اینجا ملاحظه می‌شود که متغیر احساس آنومی در مقایسه با سایر متغیرها سهم بیشتری در تبیین بیگانگی اجتماعی دارد. همچنین در این مدل رگرسیونی شاخص‌های هم‌خطی^۱ نیز بررسی شده است. بر اساس نتایج جدول زیر، شاخص‌های ضریب تحمل و وی. آی. اف در حد قابل قبولی است. جداول زیر نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره را نشان می‌دهد.

جدول ۵: تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره متغیرهای مستقل و بیگانگی اجتماعی

| مدل | درجه آزادی | مجموع مجزورات | میانگین مجزورات | کمیت F | سطح معنی‌داری | رگرسیون چندگانه | R^2 | $D-W$ |
|-----------|------------|---------------|-----------------|----------|---------------|-----------------|-------|-------|
| رگرسیون | ۵ | ۲۱۶۶۵/۶۹۱ | ۴۳۳۳/۱۳۸ | ۱۴۲/۹۹۷ | ۰/۰۰۰ | ۰/۸۴۲ | ۰/۷۰۹ | ۱/۸۷۲ |
| باقیمانده | ۲۹۴ | ۸۹۰۸/۹۰۶ | ۳۰/۳۰۲ | | | | | |
| کل | ۲۹۹ | ۳۰۵۷۴/۵۹۷ | | | | | | |

جدول ۶: نتایج حاصله از رگرسیون چند متغیره فرضیه‌های تحقیق

| وی آی اف | ضریب تحمل | سطح معنی‌داری | مقدار T | $Beta$ | خطای استاندارد | B | شاخص‌ها / متغیرها |
|----------|-----------|---------------|-----------|--------|----------------|-------|--------------------|
| | | ۰/۰۱۲ | ۲/۵۳۸ | | ۲/۰۹۲ | ۵/۳۰۹ | (Constant) |
| ۱/۶۸۴ | ۰/۵۹۴ | ۰/۰۰۰ | ۱۰/۰۹۱ | ۰/۴۱۲ | ۰/۰۵۴ | ۰/۵۴۷ | احساس محرومیت نسبی |
| ۲/۶۶۲ | ۰/۳۷۶ | ۰/۰۰۰ | ۹/۶۳۸ | ۰/۴۹۵ | ۰/۰۸۷ | ۰/۸۳۷ | احساس آنومی |

^۱ co-linearity

بحث و نتیجه‌گیری

در خصوص رابطه‌ی منفی بین اعتماد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی می‌توان گفت این یافته با دیدگاه زیمل و اینگلهارت همخوانی دارد اما در عین حال، اندیشمندان بسیاری در این زمینه نظریه‌پردازی کرده‌اند از جمله؛ گوتربوک و لاندن به ارتباط بین احساس اثربخشی اجتماعی و اعتماد از یک طرف و احساس بیگانگی اجتماعی از طرف دیگر می‌پردازد و کاهش در میزان هر کدام از مؤلفه‌ها را مرتبط با ظهور پدیده‌ی بیگانگی اجتماعی افراد می‌پندارد (گوتربوک و لاندن^۱، ۱۹۸۳: ۴۴۰).

وایزبرگ و اینگلهارت نیز ارتباط احساس اثربخشی پایین و نارضایتی اجتماعی افراد را با بیگانگی اجتماعی مطرح کرده‌اند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۸). کاترین راس و همکارانش یکی از عوامل مرتبط با بیگانگی را اعتماد اجتماعی پایین در جامعه معرفی کرده‌اند (راس و همکاران^۲، ۲۰۰۱: ۵۶۹). به نظر زتومکا اعتماد اجتماعی پایین در یک جامعه منجر به انزوا و دوری اعضای جامعه از همدیگر شده و میزان بیگانگی اجتماعی را افزایش می‌دهد (زتومکا^۳، ۱۹۹۹: ۱۰۳). گامبتا معتقد است همکاری به میزان فراوانی به اعتماد نیازمند است و اگر بی‌اعتمادی در جامعه وجود داشته باشد همکاری در بین افراد با شکست روبه‌رو شده، بیگانگی اجتماعی را منجر خواهد شد (گامبتا^۴، ۲۰۰۰: ۲۲۰).

این یافته با پژوهش‌های بنی‌فاطمه و رسولی (۱۳۹۰)، توفیقیان و حسینی (۱۳۹۱)، گاتربوک و همکاران (۲۰۰۶) و فورد (۲۰۱۰)، همسو می‌باشد.

درباره‌ی رابطه‌ی منفی بین دو متغیر میزان دینداری و بیگانگی اجتماعی باید اذعان داشت که این فرضیه در پرتوی دیدگاه دورکیم قابل تطبیق می‌باشد؛ زیرا دورکیم تضعیف ارزش‌های اخلاقی را عامل شکل‌گیری احساس آنومی و بی‌هنجاری و در نتیجه بیگانگی تلقی می‌کند. استارک و بین بریج معتقدند که علم قادر نیست که وجود بشر را معنادار سازد. از نظر مردم تنها خداوند است که می‌تواند چنین کارهایی را انجام دهد و یادآور می‌شوند که در برابر بی‌عدالتی شدید، رنج و مرگ گریزناپذیر، زندگی تهدید به بی‌معنایی می‌شود (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳۲۴).

برگر بعنوان یک جامعه‌شناس دینی معتقد است: دین در طول زمان از بین نرفته و نخواهد رفت و این به خاطر کارکرد معنادهی است که دین همیشه آن را به عهده داشته

¹ Gutebock and Loudon

² Ross & et.al

³ Szetompka

⁴ Gambetta

یونگ، ویلسون نیز میزان دینداری پایین را عامل بی‌معنایی افراد معرفی کرده و افزایش بی‌معنایی را نیز منجر به میزان بیگانگی بیان می‌کنند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳۲۴).

این نتیجه از تحقیق حاضر با پژوهش‌های حسنی (۱۳۸۷)، جرال و والتر (۲۰۱۰)، راس و همکاران (۲۰۱۲)، منطبق می‌باشد.

این فرضیه مورد تأیید قرار گرفت بدین صورت که بین احساس محرومیت نسبی و بیگانگی اجتماعی رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد. به این صورت که هر چه قدر میزان احساس محرومیت نسبی افزایش یابد، میزان بیگانگی اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

این یافته با ثنوری محرومیت نسبی و انزوایی مرتون و با پژوهش‌های قدیمی و قاسمی (۱۳۸۹)، راس و همکاران (۲۰۱۲)، همسو و با مطالعه‌ی کلانتری و همکاران (۱۳۹۱)، غیر همسو است.

نتایج درباره‌ی رابطه‌ی منفی بین رضایت از زندگی و بیگانگی اجتماعی با دیدگاه فردینبرگ، دورکیم، انزوایی، اینگلهارت قابل تبیین می‌باشد. در تمامی این نظریات هم به مؤلفه‌ی رضایت‌مندی، هم انزوا و هم بیگانگی و آنومی اشاره شده است که همگی در شرایط بی‌هنجاری و آنومیک ظهور می‌یابند و در نتیجه میزان رضایت‌مندی فرد را کاهش می‌دهند. وایزبرگ و اینگلهارت نیز ارتباط احساس اثربخشی پایین و نارضایتی اجتماعی افراد را با بیگانگی اجتماعی مطرح کرده‌اند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۸). فردینبرگ رضایت اجتماعی را با احساس بیگانگی در افراد ارتباط داده و مثبت نبودن نتیجه‌ی یک عمل را بعنوان نارضایتی تلقی می‌کند. به نظر وی بیگانگی افراد نسبت به مسائل اجتماعی تحت تأثیر میزان رضایت اجتماعی است (فردینبرگ، ۱۹۸۳: ۱۰۱).

این نتیجه با مطالعات بسیاری که ارتباط رضایتمندی (در حوزه‌های مختلف از جمله: رضایت‌مندی شغلی، تحصیلی، اجتماعی، فردی و بطور کلی رضایت از زندگی) را تأیید کرده‌اند از جمله: بنی‌فاطمه و رسولی (۱۳۹۰)، توفیقیان و حسینی (۱۳۹۱)، راس و همکاران (۲۰۱۲)، جرال و والتر (۲۰۱۱) منطبق می‌باشد.

در خصوص این یافته می‌توان گفت با دیدگاه‌های آنومی دورکیم، انزوایی مرتون به دلیل تأکید بر بر قلمداد کردن شرایط آنومیک در شکل‌گیری انزوایی افراد و با دیدگاه اینگلهارت همخوانی دارد. این نتیجه با مطالعه‌ای بطور مستقیم قابل تطبیق نمی‌باشد، زیرا پژوهشی که به بررسی ارتباط بین احساس آنومی و بیگانگی اجتماعی پرداخته، توسط محقق یافت نشده است اما محققان زیادی از جمله محسنی تبریزی

(۱۳۸۲)، در بحث از شرایط شکل‌گیری بیگانگی، مهم‌ترین عامل شکل‌گیری بیگانگی را آنومی و وضعیت بی‌هنجاری معرفی کرده است.

نتایج درباره‌ی رابطه‌ی منفی معنادار بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و بیگانگی اجتماعی با دیدگاه دورکیم و مرتون و اینگلههارت منطبق و همسو می‌باشد. زیرا هر سه اندیشمند ضمن اشاره به شرایط بی‌هنجاری و عدم رضایت‌مندی افراد از شرایط آنومیک، به عوامل ساختاری و شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم در شکل‌گیری این وضعیت توجه داشته‌اند. این یافته با مطالعات متعددی از جمله؛ کلانتری و همکاران (۱۳۹۱)، محسنی تبریزی (۱۳۸۲)، امدیل (۲۰۰۴) و گاتربوگ (۲۰۰۶) همخوانی دارد.

مک‌دیل و ریدلی بیگانگی را با سطح وضعیت اقتصادی - اجتماعی در ارتباط دانسته است، به این صورت که هر چقدر سطح پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد پایین‌تر، میزان اثربخشی در بین افراد کمتر و هر چقدر که احساس اثربخشی اجتماعی کمتر، احساس بیگانگی در بین افراد بیشتر است (مک‌دیل و ریدلی^۱، ۱۹۶۲: ۲۰۶).

^۱ McDill and Ridley

فهرست منابع:

- توفیقیان فر، علی حسن و حسینی، احمد (۱۳۹۱). "بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (نمونه: جوانان شهر یاسوج)"، فصلنامه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال سوم، شماره‌ی هشتم.
- حسین‌زاده، علی حسین؛ باقری، معصومه و بختیاری‌زاده، فاطمه (۱۳۹۰). "بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر بیگانگی از کار (مورد مطالعه: کارکنان پتروشیمی بندر ماهشهر)"، فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره‌ی پیاپی (۴۲)، شماره‌ی دوم.
- دواس، دی. ای (۱۳۸۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی هوشنگ ناییب، تهران، نشر نی.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸). قواعد روش جامعه‌شناختی، ترجمه‌ی علی محمد کاردان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- دیلینی، تیم (۱۳۸۸). نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی بهرنگ صدیقی و وحد طلوعی، تهران، نی.
- رجبی، محمود (۱۳۷۹). انسان‌شناسی، قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ریتزر، جرج (۱۳۹۰). نظریه‌های جامعه‌شناختی و ریشه‌های کلاسیک آن، ترجمه‌ی خلیل میرزایی و علی بقایی سرابی، تهران، جامعه‌شناسان.
- زکی، محمدعلی (۱۳۸۸). "بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه‌ی موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان)"، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه.
- قدیمی، مهدی و قاسمی، حامد (۱۳۹۱). "بررسی تأثیر احساس محرومیت نسبی و احساس بیگانگی اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌های شهر زنجان)"، فصلنامه‌ی دانش انتظامی زنجان، سال اول، شماره‌ی ۴، پاییز.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۰). زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۲). "آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی - فرهنگی بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران"، فصلنامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره‌ی ۲۶.

Banai, M and. Reisel, W. D. (2007). "The influence of supportive leadership and job characteristics on work alienation: A six-country investigation", *Journal of World Business*. 42: 463-476.

Bao, Y, Zhou, K. Z. and Zhou, N. (2005). "Social alienation in a transitional economy: Antecedents and impact on attitude toward social reform", *Journal of Business Research*. 59: 990-998.

Boyd, M. R. and Mackey, M. C. (2000). "Alienation From Self and Others: The Psychosocial Problem of Rural Alcoholic Women", *Archives of Psychiatric Nursing*. 14 (3): 134-141.

Dean, D. G. (1961). Alienation: Its meaning and measurement. *American Sociological Review*. 26 (4): 753-758.

DiPietro, R. B and Pizam, A. (2008). "Employee alienation in the quick service restaurant industry", *Journal of Hospitality & Tourism Research*. 32 (1): 22-39.

Ferdenberg, E. (1983). *Coming of Age in American*; New York Vintage books.

Gaski, J. F and Ray, N. M. (2001). "Measurement and Modeling of Alienation in the Distribution Channel Implications for Supplier-Reseller Relations", *Industrial Marketing Management*, 30: 207-225.